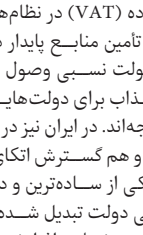


یادداشت

تحمیل ناترازی بودجه بر مصرف‌کننده نقدی حقوقی-اقتصادی بر افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده



کمیل احمدی لیوانی

پژوهشگر

مالیات بر ارزش افزوده (VAT) در نظام‌های مالیاتی معاصر، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین منابع پایدار دولت‌ها به شمار می‌رود. گستردگی پایه، سهولت نسبی وصول و شفافیت زنجیره‌ای، این مالیات را به گزینه‌ای جذاب برای دولت‌هایی تبدیل کرده است که با محدودیت منابع سنتی مواجه‌اند. در ایران نیز در سال‌های اخیر، هم افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده و هم گسترش اتکای ساختاری بودجه عمومی به این نوع از مالیات، به یکی از ساده‌ترین و درعین‌حال بحث‌برانگیزترین ابزارهای جبران ناترازی مالی دولت تبدیل شده است؛ اتفاقی که در لایحه بودجه کنونی نیز تکرار شده و شاهد افزایش مجدد نرخ مالیات بر ارزش افزوده در لایحه تقدیمی هستیم. اما مسئله اصلی این یادداشت نه مشروعیت قانونی این ابزار، بلکه این پرسش بنیادین حقوق مالیه عمومی است که آیا جبران ناترازی بودجه از مسیر افزایش مالیات بر مصرف، آن‌هم در شرایط تورم مزمن و رکود اقتصادی، به معنای انتقال مستقیم بار ناکارآمدی مالی دولت به مصرف‌کننده نهایی نیست؟

مالیات بر ارزش افزوده و مسئله توان پرداخت

در حقوق مالیاتی، اصل «توان پرداخت» یکی از مبانی هنجاری توجیه مالیات‌ستانی است. هرچند این اصل به صورت صریح و عددی در همه نظام‌های حقوقی صورت‌بندی نشده، اما روح آن در نظریه‌های عدالت مالیاتی، حقوق اساسی و حتی رویه‌های سیاست‌گذاری مالی به‌روشنی مشاهده می‌شود. بر مبنای این اصل، بار مالیاتی باید به گونه‌ای توزیع شود که با توان اقتصادی اشخاص تناسب داشته باشد و حداقل معیشت آنان را مخدوش نکند. مالیات بر ارزش افزوده، به‌عنوان مالیات بر مصرف، از این‌ منظر در موقعیتی حساس قرار دارد؛ چراکه برخلاف مالیات‌های مستقیم، امکان تفکیک میان مؤیدان براساس سطح درآمد یا ثروت را ندارد. در شرایطی که تورم، قدرت خرید را به طور مستمر کاهش داده و بخش بزرگی از درآمد خانوار صرف تأمین نیازهای اولیه می‌شود، افزایش نرخ مالیات بر مصرف می‌تواند عملاً به کاهش حداقل معیشت بینجامد. ماهیت نسبتاً پس‌گرای (regressive) مالیات بر ارزش افزوده به این معناست که سهم پرداختی این مالیات از درآمد خانوارهای کم‌درآمد، به طور نسبی بیش از دهک‌های پردرآمد است. در اقتصادی که با رکود تورمی مواجه است، این ویژگی تشدید نیز می‌شود؛ زیرا خانوارهای کم‌درآمد نه امکان پس‌انداز دارند و نه قدرت جایگزینی مصرف. از این منظر، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده صرفاً یک تصمیم اقتصادی نیست، بلکه مستقیماً به حوزه عدالت اجتماعی و تعهدات دولت در قبال اقشار آسیب‌پذیر وارد می‌شود.

انتقال مستقیم و بی‌واسطه بار مالیاتی

برخلاف برخی دیگر از انواع مالیات‌ها که آثار آنها ممکن است در سود بنگاه یا بازده سرمایه جذب شود، ویژگی متمایز مالیات بر ارزش افزوده، انتقال مستقیم و تقریباً کامل بار مالیاتی به مصرف‌کننده نهایی است. در اغلب بازارها، فعال اقتصادی صرفاً نقش واسط وصول‌کننده را ایفا می‌کند و مالیات در قیمت نهایی کالا و خدمات منعکس می‌شود. در این چارچوب، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده حتی اگر الزاماً به تورم پایدار منجر نشود، در عمل به معنای افزایش فوری سطح قیمت‌ها برای مصرف‌کننده است. اهمیت این نکته در آن است که در اقتصاد ایران، بخش بزرگی از مصرف خانوارها به کالاها و خدماتی اختصاص دارد که جایگزین‌پذیری پایینی دارند؛ بنابراین مصرف‌کننده امکان تعدیل رفتار مصرفی خود را ندارد و ناگزیر بار مالیاتی را می‌پذیرد. این ویژگی اگرچه مالیات بر ارزش افزوده را به مناسب‌ترین ابزار برای انتقال ناترازی بودجه به شهروندان تبدیل می‌کند، اما این انتخاب لزوماً عادلانه‌ترین ابزار نیست.

استدلال دولت؛ ضرورت بودجه‌ای یا انتخاب‌ساده‌تر؟

دولت‌ها معمولاً افزایش اتکا به مالیات بر ارزش افزوده را با استناد به کسری بودجه، کاهش درآمدهای نفتی و ضرورت تأمین مالی هزینه‌های عمومی توجیه می‌کنند. تردیدی در این نیست که کسری بودجه ساختاری به واقعیتی انکارناپذیر در اقتصاد ایران تبدیل شده است و دولت ناگزیر از انتخاب میان گزینه‌های محدود سیاستی است؛ اما در حقوق مالیه عمومی، «ضرورت مالی» به‌تنهایی نمی‌تواند هر ابزار مالیاتی را توجیه کند. در همین چارچوب باید به این نکته کلیدی و البته نگران‌کننده درباره افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده اشاره کرد؛ به نظر می‌رسد این افزایش بیش از آنکه نتیجه یک اصلاح ساختاری باشد، حاصل ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر تصورکردن این انتخاب از منظر اجرایی است؛ انتخابی که به جای مواجهه با ریشه‌های ناترازی بودجه -ازجمله ساختار هزینه‌ای دولت، معافیت‌های گسترده غیرهدفمند و ضعف مالیات‌ستانی از پایه‌های ثروت و عایدی- بار مالی را به حوزه مصرف منتقل می‌کند؛ حوزه‌ای که کمترین قدرت چانه‌زنی و بیشترین حساسیت معیشتی را دارد. براساس این مقایسه نرخ مالیات بر ارزش افزوده ایران با کشورهای که نرخ‌های بالاتری دارند، بدون توجه به زمینه نهادی، یک قیاس ناقص و گمراه‌کننده است. در بسیاری از کشورهای اروپایی، نرخ مالیات بر ارزش افزوده در بازه ۲۰ تا ۲۵ درصد قرار دارد، اما این نرخ بخشی از یک بسته سیاستی و نهادی گسترده‌تر است. در این کشورها، تورم پایین و باثبات، نظام تأمین اجتماعی فراگیر، بیمه بیکاری مؤثر و خدمات عمومی با کیفیت بالا وجود دارد. مالیات بر مصرف در چنین زمینه‌ای، به نوعی «حق مشارکت در رفاه عمومی» تلقی می‌شود. حتی در کشورهای در حال توسعه موفق، مانند ترکیه، افزایش نرخ ارزش افزوده معمولاً با نرخ‌های ترقیچی گسترده، حمایت‌های هدفمند و سیاست‌های ضد چرخه‌ای همراه بوده است. در مقابل، در اقتصاد ایران که با تورم بالا، نااطمینانی و ضعف شبکه‌های حمایتی مواجه است، افزایش مالیات بر مصرف بدون این پیش‌شرط‌ها، بیشتر به ابزار جبران ناکارآمدی مالی تبدیل می‌شود تا ابزار تنظیم اقتصادی. با وجود تبعات منفی این سیاست‌گذاری، مسئله اصلی و نگران‌کننده، نه تصمیم سال ۱۴۰۵، بلکه خطر تبدیل آن به یک مسیر دائمی در سیاست مالی سال‌های بعد است.

جمع‌بندی؛ وقتی ساده‌ترین راه، عادلانه‌ترین نیست

افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده، از منظر فنی و قانونی، اقدامی ممکن و حتی در کوتاهمدت مؤثر برای افزایش درآمد دولت است؛ اما از منظر حقوق مالیه عمومی و عدالت مالیاتی، این سیاست در شرایط کنونی اقتصاد ایران به معنای تحمیل ناترازی بودجه بر مصرف‌کننده نهایی است؛ مصرف‌کننده‌ای که پیشاپیش تحت فشار تورم و کاهش قدرت خرید قرار دارد. این یادداشت به دنبال نفی مطلق مالیات بر ارزش افزوده نیست؛ اما تا زمانی که اصلاحات ساختاری در سمت هزینه‌های دولت، گسترش پایه‌های مالیاتی مستقیم و شفاف‌سازی اقتصاد غیرمولد به طور جدی دنبال نشود، افزایش مالیات بر مصرف، بیش از آنکه نشانه اصلاح مالی باشد، علامتی از انتقال مسئولیت ناترازی به ضعیف‌ترین حلقه زنجیره اقتصادی است. ناترازی بودجه را نمی‌توان با کوچک‌کردن سفره مصرف‌کننده برطرف کرد.

www.sharghdaily.com

گزارش «شرق» از آخرین نشست شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۲۵

بن‌بست در نیویورک



عبدالرحمن فتح‌اللهی: به نظر می‌رسد رویکرد

جدید آمریکا و اروپا فراتر از تداوم فشار حداکثری و تشدید تحریم‌هاست و اکنون تلاش برای شکل‌دهی به یک اجماع بین‌المللی منسجم علیه ایران در دستور کار قرار گرفته است. هدف اصلی این رویکرد، پرکردن شکاف‌هایی است که طی سال‌های اخیر در فضای بین‌المللی و به‌ویژه در شورای امنیت درباره نحوه مواجهه با ایران وجود داشته است. قطع‌نامه ۲۲۳۱ و چگونگی تعامل با ایران پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، به محور این تلاش هماهنگ تبدیل شده‌اند.

برگزاری نشست اخیر شورای امنیت، با وجود مخالفت صریح ایران، روسیه و چین، نشانه‌ای روشن از این راهبرد جدید است. این اقدام نشان می‌دهد که غرب تلاش دارد حتی در شرایط نبود اجماع کامل، مسیر نهادهی لازم برای بازسازی فشار چندجانبه را فعال نگه دارد. در این چارچوب، احیای سازوکارهایی نظیر کمیته ۱۷۳۷ اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ کمیته‌ای که در گذشته نقش کلیدی در اعمال و هماهنگی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران ایفا کرده بود. بی‌شک هدف نهایی از احیای چنین سازوکارهایی، ایجاد یک مبنای حقوقی و سیاسی برای بازسازی اجماع جهانی علیه ایران است؛ اجماعی که بتواند اختلافات موجود میان قدرت‌های بزرگ را به حداقل رسانده و فشارها را از سطح یک‌جانبه یا محدود، به سطحی فراگیر و چندجانبه ارتقا دهد. در چنین شرایطی، ایران با فضای پیچیده‌تر مواجه خواهد شد که در آن، صرف اتکا به شکاف میان قدرت‌های جهانی امکانی است کارایی گذشته را نداشته باشد. این روند می‌تواند معادلات دیپلماتیک و امنیتی کشور را وارد مرحله‌ای جدید و حساس کند که نیازمند ارزیابی دقیق و تصمیم‌گیری‌های حساس‌شده است.

تأکید معاون دبیر کل سازمان ملل بر لزوم مذاکره درباره برنامه هسته‌ای ایران

آخرین نشست شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۲۵ با وجود مخالفت صریح ایران، روسیه و چین و به درخواست برخی اعضای غربی شورا، به بررسی بیستمین گزارش دبیر کل سازمان ملل درباره اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ و برجام اختصاص یافت. به نوشته ایرنا، این نشست که دوم دی‌ماه ۱۴۰۴ (۲۳ دسامبر ۲۰۲۵) برگزار شد، بار دیگر شکاف عمیق میان اعضای شورا بر سر وضعیت حقوقی قطع‌نامه ۲۲۳۱ و آینده پرونده هسته‌ای ایران را آشکار کرد و از همان ابتدا مشخص بود که خروجی عملی مشخصی نخواهد داشت.

قطع‌نامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ به پایان رسیده و ایران، روسیه و چین این پایان را به معنای خاتمه رسیدگی شورای امنیت به موضوع هسته‌ای ایران می‌دانند. در مقابل، آمریکا و استی به قطع‌نامه ۲۲۳۱ و برجام اختصاص یافت. به گزارش شورا، این نشست که دوم دی‌ماه ۱۴۰۴ (۲۳ دسامبر ۲۰۲۵) برگزار شد، بار دیگر شکاف عمیق میان اعضای شورا بر سر وضعیت حقوقی قطع‌نامه ۲۲۳۱ و آینده پرونده هسته‌ای ایران را آشکار کرد و از همان ابتدا مشخص بود که خروجی عملی مشخصی نخواهد داشت.

به گفته او، این روند منجر به احیای کمیته تحریم‌های ۱۷۳۷ شد، هرچند برخی کشورها اعتبار حقوقی و رویه‌ای این فرایند را به چالش کشیده‌اند. معاون دبیر کل همچنین به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کرد که اعلام کرده ایران از قوریه اجرای تعهدات برجامی را متوقف کرده، اما همچنان تحت نظارت پادمان‌های ان‌پی‌تی قرار دارد و از سقف‌های تعیین‌شده در برجام عبور کرده است. در پایان، او با تأکید بر اختلافات جدی میان طرف‌ها، تصریح کرد که همه همچنان بر ضرورت راه‌حل دیپلماتیک اتفاق نظر دارند و بهترین گزینه برای جامعه بین‌المللی، دستیابی به توافقی مذاکره‌شده است که هم ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تضمین کند و هم مسیر رفع تحریم‌ها را هموار کند.

چین و روسیه چه گفتند؟

نشست شورای امنیت سازمان ملل از همان ابتدا با مخالفت صریح روسیه و چین همراه بود. این دو کشور بر این موضع تأکید داشتند که با انقضای رسمی قطع‌نامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵، پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورای امنیت خارج شده و برگزاری چنین جلسسه‌ای فاقد مبنای حقوقی است. با این حال، آمریکا و سه کشور اروپایی عضو شورای امنیت، با وجود سابقه نقض تعهدات برجامی، بر تشکیل این نشست اصرار کردند و تلاش کردند آن را در چارچوب روندی عادی و نظارتی جلوه دهند.

اختلاف اصلی در این نشست، به تفسیر متفاوت طرف‌ها از پایان قطع‌نامه ۲۲۳۱ بازمی‌گردد. ایران، روسیه و چین پایان این قطع‌نامه را به معنای بسته‌شدن رسمی پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت می‌دانند، درحالی‌که آمریکا، انگلیس و فرانسه با استناد به برداشت خود از مفاد برجام، مدعی هستند که امکان فعال‌سازی مکانیسم اسپنک و احیای تحریم‌های سازمان ملل همچنان وجود دارد. همین ادعا،

محور تلاش غرب برای بازگرداندن موضوع ایران به دستور کار شورای امنیت شده است. واسیلی نینزبا، نماینده روسیه در سازمان ملل، در سخنانی تند این رویکرد را نقض آشکار رویه‌ها و قواعد شورای امنیت توصیف کرد. او تأکید کرد که همه پندهای قطع‌نامه ۲۲۳۱ در مودع مقرر منقضی شده و هیچ سازوکار معتبری برای احیای آن وجود ندارد. به گفته نینزبا، تلاش کشورهای غربی برای تشکیل جلسه و طرح دوباره این قطع‌نامه، اقدامی نمایشی با هدف بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران و تشدید اختلافات در شورای امنیت است.

سفیر روسیه همچنین از ریاست دوره‌ای شورای امنیت به دلیل تسلیم‌شدن در برابر فشار برخی اعضا انتقاد کرد و گفت این نشست اساساً در دستور کار شورا قرار نداشته است. او با تأکید بر اینکه برنامه هسته‌ای ایران دیگر موضوع شورای امنیت نیست، تصریح کرد که اتحادیه اروپا نیز نباید در پرونده‌ای که از نظر حقوقی پایان یافته، مداخله کند. نینزبا در پایان با اشاره به حمله اسرائیل به ایران در جریان مذاکرات و تأکید بر گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خاطرنشان کرد که هیچ‌گاه ادعایی درباره ماهیت نظامی برنامه هسته‌ای ایران مطرح نشده و آنچه اکنون در حال وقوع است، تصمیم‌گیری‌های حساس‌شده است.

نماینده چین هم در نشست اخیر شورای امنیت سازمان ملل، با موضعی صریح به تلاش سه کشور اروپایی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه اعتراض کرد و درباره پیامدهای حقوقی و سیاسی این اقدام هشدار داد. او تأکید کرد که اسپنک تنها از سوی سه کشور اروپایی مطرح شده و اعتبار آن نیز تا ماه اکتبر محدود است. به گفته این دیپلمات، درباره اختیار این کشورها برای فعال‌سازی چنین سازوکاری هیچ اجماع روشنی در شورای امنیت وجود ندارد و مکانیسم ماشه با خلاهای حقوقی جدی مواجه است. نماینده چین با حمایت از موضوع روسیه تصریح کرد که قطع‌نامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ به پایان رسیده و شورای امنیت پس از آن، بررسی پرونده هسته‌ای ایران را متوقف کرده است. او هشدار داد که برخی کشورها در تلاش هستند موضوعاتی را که از نظر حقوقی مختومه شده‌اند، دوباره به شورای امنیت بازگردانند؛ اقدامی که به گفته او، نه‌تنها اختیارات و اعتبار شورای امنیت را تضعیف می‌کند، بلکه به تعمیق شکاف‌ها و افزایش اختلافات در این نهاد بین‌المللی می‌انجامد. چین از اعضای شورای امنیت خواست واقعیت پایان قطع‌نامه ۲۲۳۱ را بپذیرند و شرایط سیاسی لازم برای حل‌وفصل موضوع هسته‌ای ایران را فراهم کنند.

این دیپلمات چینی در ادامه، با اشاره به اهداف اصلی قطع‌نامه‌های شورای امنیت در زمینه منع اشاعه هسته‌ای، یادآور شد که خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، روند دیپلماسی را پیچیده کرده و پرونده هسته‌ای را به بن‌بست کشانده است. او تأکید کرد که ایران قصدی برای تولید سلاح هسته‌ای ندارد و بارها بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه خود تصریح کرده است. نماینده چین با حمایت از آغاز دوباره مذاکرات هسته‌ای، خواستار احترام کامل به حقوق ایران ذیل معاهده ان‌پی‌تی شد و هشدار داد که تشدید تحریم‌ها و سوءاستفاده از شورای امنیت تنها تنش‌ها را افزایش می‌دهد. او در پایان تأکید کرد که برای حفظ امنیت و ثبات خاورمیانه، لغو تحریم‌های یک‌جانبه، نشان‌دادن حسن نیت سیاسی و جایگزین‌کردن دیپلماسی به جای تقابل، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اروپایی‌ها چه گفتند؟

در نشست اخیر شورای امنیت سازمان ملل، نمایندگان کشورهای غربی و اتحادیه اروپا با طرح مجموعه‌ای از ادعاها، تلاش کردند اقدامات خود علیه ایران و بیگیری فعال‌سازی مکانیسم ماشه را توجیه کنند؛ ادعاهایی که بدون اشاره به حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران و نیز نقض این کشورها در نقض برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ مطرح شد. نماینده اتحادیه اروپا با تأکید بر اینکه هیچ تردیدی در «اعتبار» استفاده از مکانیسم ماشه وجود ندارد، مدعی شد تحریم‌ها نباید به معنای پایان مسیر دیپلماتیک شود. او در حالی از ایران خواست اطلاعات دقیق، به‌روز و قابل راستی‌آزمایی درباره مواد و فعالیت‌های هسته‌ای خود در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهد که از اشاره به حملات نظامی اخیر علیه تأسیسات هسته‌ای ایران خودداری کرد. این مقام اروپایی با نادیده‌گرفتن خروج آمریکا از برجام و عدم پایبندی اروپا به تعهدات خود، ادعا کرد برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ چارچوبی مؤثر برای نظارت ایجاد کرده بودند و اولویت امنیتی اتحادیه اروپا جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است.

نماینده انگلیس نیز با رد مواضع روسیه و چین، برگزاری نشست شورای امنیت را کاملاً منطبق با رویه‌های این نهاد دانست و مدعی شد لندن به همراه فرانسه و آلمان، مکانیسم اسپنک را به دلیل «عدم پایبندی اساسی ایران» به تعهدات برجامی فعال کرده است. او ادعا کرد با تکمیل این فرایند، قطع‌نامه ۲۲۳۱ همچنان لازم‌الاجراست و شش قطع‌نامه پیشین شورای امنیت دوباره فعال شده‌اند. این دیپلمات انگلیسی همچنین مدعی شد ایران دسترسی آژانس را محدود کرده و برای ذخایر بالای اورانیوم با غای ۶۰ درصد هیچ توجیه غیرنظامی وجود ندارد. درعین‌حال لندن از آمادگی خود برای حمایت از راه‌حل دیپلماتیک سخن گفت، اما رفع تحریم‌ها را مشروط به اقدامات «مشخص، قابل

راستی‌آزمایی و پایدار» از سوی تهران دانست. نماینده فرانسه نیز با تکرار همین خط، ادعا کرد فعال‌سازی مکانیسم ماشه نتیجه نقض مکرر تعهدات برجامی از سوی ایران بوده است. او با وجود پایان رسمی قطع‌نامه ۲۲۳۱، مدعی شد این قطع‌نامه تنها زمانی منقضی می‌شود که تضمین‌های معتبر درباره صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران ارائه شود. این مقام فرانسوی، بدون اشاره به حملات نظامی علیه ایران، ادعا کرد اجرانشدن تعهدات هسته‌ای از سوی تهران، تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است و تنها مسیر حل‌وفصل این پرونده را دیپلماسی دانست. او همچنین با استناد به ادعاهای آژانس، مدعی

شد دسترسی نداشتن به برخی سایت‌ها و نامشخص بودن وضعیت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی می‌تواند در صورت غنی‌سازی بیشتر، ظرفیت تولید چندین سلاح هسته‌ای را ایجاد کند.

نمایندگان دانمارک و آلمان نیز همسو با دیگر کشورهای اروپایی، نگرانی خود را از سطح و حجم غنی‌سازی ایران و کاهش همکاری با آژانس ابراز کردند. دانمارک ادعا کرد ذخایر اورانیوم ایران از هر کشور فاقد برنامه تسلیحات هسته‌ای بیشتر است و آلمان خواستار انتخاب رئیس کمیته تحریم‌های ۱۷۳۷ و آغاز به کار هیئت کارشناسان شد. نماینده آلمان مدعی شد احیای قطع‌نامه‌های شورای امنیت ابزاری برای تشویق تعامل سازنده است و هدف نهایی، جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و تضمین شفافیت است. در مجموع، کشورهای غربی در این نشست با تکیه بر تفسیر خود از قطع‌نامه ۲۲۳۱ و بدون پذیرش مسئولیت اقدامات گذشته، تلاش کردند بازگشت تحریم‌ها و فعال‌سازی سازوکارهای تنبیهی را هم‌زمان با ادعای حمایت از دیپلماسی، مشروع جلوه دهند؛ رویکردی که با انتقاد صریح روسیه و چین و مخالفت ایران مواجه شده است.

مانور واشنگتن روی کمیته ۱۷۳۷

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، محور اصلی و دستور کار واقعی تلاش برای برگزاری نشست اخیر شورای امنیت، موضوعی بود که از سوی نماینده آمریکا به‌صراحت مطرح شد؛ یعنی احیای کمیته تحریم‌های ۱۷۳۷ به‌عنوان سازوکاری برای ایجاد یک مبنای حقوقی و سیاسی جهت شکل‌دهی به اجماع جهانی علیه ایران. در همین چارچوب، «فجرى بارتوس» و سفیر و معاون نمایندگی آمریکا در شورای امنیت، موضوع واشنگتن را بر ضرورت تمرکز این شورا بر موضوع عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، به‌ویژه در ارتباط با ایران، استوار دانست. او ادعا کرد شورای امنیت همچنان متعهد به این مأموریت است و باید آن را ادامه دهد. نماینده آمریکا با استناد به گزارش دبیر کل سازمان ملل درباره قطع‌نامه ۲۲۳۱ مدعی شد به‌جز برخی پندهای مشخص، این قطع‌نامه و ترتیبات اجرایی مرتبط با آن همچنان معتبر و لازم‌الاجراست.

بارتوس همچنین با تکیه بر سازوکار اسپنک، مدعی شد که شورای امنیت تصمیم گرفته است مجموعه‌ای از قطع‌نامه‌های پیشین علیه ایران، از جمله قطع‌نامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ را مجدداً فعال کند. به گفته او، هدف این قطع‌نامه‌ها و اقدامات مرتبط، واداشتن برنامه هسته‌ای ایران به پایبندی کامل به نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است و شورای امنیت نمی‌تواند نسبت به فعالیت‌هایی که به‌زعم آمریکا خارج از چارچوب شفافیت بین‌المللی انجام می‌شود، بی‌تفاوت باشد. نماینده آمریکا همچنین اعلام کرد که پس از فعال‌سازی مکانیسم بازگشت تحریم‌ها، کمیته ۱۷۳۷ سازمان ملل دوباره فعال خواهد شد و ایالات متحده تلاش خواهد کرد این کمیته کارآمد باشد. با وجود تأکید بر این رویکرد فشارمحور، او مدعی شد واشنگتن همچنان راه‌حل مبتنی بر مذاکره را گزینه ترجیحی خود می‌داند.

پاسخ ایران چه بود؟

امیرسعید ابروانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت سازمان ملل، در سخنانی مفصل و صریح، با برگزاری نشست اخیر این شورا درباره قطع‌نامه ۲۲۳۱ مخالفت قاطع ایران را اعلام کرد و مواضع تهران را از منظر حقوقی، سیاسی و دیپلماتیک تشریح کرد. او با همسویی کامل با مواضع روسیه و چین تأکید کرد که قطع‌نامه ۲۲۳۱ دارای بند خاتمه روشن و خوداجرا بوده و در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ به‌طورکامل منقضی شده است؛ بنابراین از آن تاریخ، شورای امنیت، دبیر کل و هیچ نهاد دیگری هیچ اختیار یا مأموریت حقوقی برای بررسی، گزارش‌دهی یا برگزاری نشست در این چارچوب ندارند. از نگاه ایران، ادامه طرح این موضوع دیل دستور کار «عدم اشاعه» نقض آشکار این‌نامه شورای امنیت و سوءاستفاده از رویه‌ها و اختیارات این نهاد است. نماینده ایران با قدردانی از مواضع اصولی روسیه، چین و برخی دیگر از اعضای شورا، آنچه را در نشست شاهد بود، نه اختلاف تفسیری مشروع، بلکه تحریف هدفمند قطع‌نامه ۲۲۳۱، انتشار عمدانه اطلاعات نادرست درباره برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و تلاش سیاسی برای بهره‌برداری ابزاری از شورای امنیت توصیف کرد. ابروانی، «ریشه وضعیت کنونی را خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، عدم ایفای تعهدات ژئوپلیکانی اروپایی و در نهایت حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران دانست»؛ اقداماتی که به گفته او نقض صریح منشور ملل متحد، اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و ضربه‌ای مستقیم به رژیم عدم اشاعه است. سفیر ایران تأکید کرد که توجیه این حملات با استناد به ماده ۵۱ منشور یا ادعای «تهدید قریب‌الوقوع» فاقد هرگونه مبنای حقوقی است و نمونه‌ای خطرناک از سوءاستفاده از حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. او همچنین سکوت با همراهی ضمنی کشورهای اروپایی با این اقدامات را نشانه فقدان مشروعیت آنها برای ادعای دفاع از عدم اشاعه دانست. در بخش دیگری از سخنانش، نماینده ایران یادآور شد که جمهوری اسلامی از سال ۱۹۷۰ عضو متعهد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده و به دلایل حقوقی، اخلاقی و دکترینال، دیپلماتیک و همواره سلاح‌های کشتار جمعی را مردود دانسته است.

۴۳ صفحه ۳

خبر

دادستان مشهد خبر داد آزادی ۱۹ نفر از بازداشتی‌های مراسم مرحوم علی‌کردی

دادستان عمومی و انقلاب مشهد با اشاره به ناآرامی‌های ایجادشده در مراسم ترحیم مرحوم علی‌کردی، گفت: ۵۰ نفر بازداشت شده بودند؛ برخی از افراد بازداشت‌شده سابقه‌ای نداشتند و تحت تأثیر احساسات و هیجان دست به این اقدامات زده بودند و تاکنون ۱۹ نفر از افراد بازداشت‌شده آزاد شده‌اند. به گزارش ایسنا، حسن همتی‌فر دیروز در نشست دادستان عمومی و انقلاب مشهد که در دادگستری خراسان رضوی برگزار شد، با اشاره به اتفاقات رخ‌داده در مراسم ترحیم مرحوم علی‌کردی اظهار کرد: در تاریخ ۱۴ آذر ۱۴۰۴ در ساعت ۲۰:۵۶ یکی از وکلای دادگستری در دفتر کار خود مشغول به کار بود و متسلفانه دچار سسکته قلبی شد و در همان جا فوت کرد. گزارش اولیه کلانتری و ضابطان در روز بعد این بود که یک فوت عادی است، اما با توجه به حساسیت‌هایی که وجود داشت و متوجه شدیم این فرد وکیل بود، از بازپرس ویژه قتل، تیم پزشکی قانونی و پلیس آگاهی خواستیم در محل حضور پیدا کنند. نتایج بررسی‌ها گویای این بود که هیچ آثاری از جنایت و درگیری روی بدن وی وجود نداشت. او ادامه داد: بررسی فیلم‌های محل فوت نشان می‌داد این فرد دچار سسکته قلبی شده و فوت کرده است. در ادامه و با حضور خانواده این فرد، صورت‌جلسه ایجاد شده و از طرف خانواده وی نیز شکایتی مطرح نشد. با اینکه همه‌چیز در این پرونده واضح بود، ما باز هم احتیاط کردیم و از پزشکی قانونی خواستیم تا کالبدشکافی نیز انجام شود. دادستان عمومی و انقلاب مشهد با بیان اینکه روز تشییع جنازه افرادی در محل اقدامات هنجارشکنانه‌ای انجام دادند، افزود: با توجه به اینکه خانواده مرحوم داغدار بودند، تصمیم بر مدارا گرفته شد. در روز سه‌شنبه ۱۶ آذر برادر مرحوم به همراه چند نفر از بستگان به پلیس آگاهی مراجعه کردند و فیلم کامل شب فوت مرحوم به‌همراه سایر مستندات به رویت رسید و صورت‌جلسه انجام شد. همتی‌فر با اشاره به تذکرات داده‌شده از سوی مقامات امنیتی و اطلاعاتی به خانواده مرحوم، اضافه کرد: در روز چهارشنبه، معاون سیاسی و امنیتی فرماندار مشهد طی دعوتی از برادر مرحوم تذکرات لازم را داد تا دشمنان از اقدامات سوءاستفاده نکنند. در مراسم هفتم مرحوم مجدداً شعارهایی داده شد که در این خصوص باز هم مدارا شد.

در روز جمعه مراسمی برای مرحوم در مشهد برگزار شد، اما درواضع این مراسم به‌نوعی به یک فراخوان تبدیل شده بود. بااین‌حال، حضور در این مراسم جهت عرض تسلیت مانعی نبود، اما بعد از مراسم در بیرون از مسجد نظم عمومی مختل شد، شعارهایی داده شد که قابل پذیرش نیست، ارتباط مستقیم با شبکه‌های خارجی شکل گرفت و شعارهای شکارشکنانه داده شد. او با بیان اینکه گویای کسی علیه اصل حاکمیت شعار می‌دهد و با آن برخورد نمی‌شود؟ گفت: علی‌رغم تمام تلاش‌ها برای مدارا توسط نیروی انتظامی و دعوت به آرامش، افراد مذکور مقاومت کردند و شعارها تندتر شد. بنا داشتند به خیابان بریزند و با برنامه‌ریزی اقداماتی را انجام دهند. در نهایت کسانی که لیدر بودند و این افراد را سازماندهی می‌کردند، بازداشت شدند و در اختیار مراجع قضائی قرار گرفتند. در همان سر صحنه ۳۹ نفر بازداشت شده بودند و تعدادی هم لیدر متواری حضور داشتند و سرجمع ۵۰ نفر بازداشت شدند. برخی از این افراد بازداشت‌شده سابقه‌ای نداشتند و تحت تأثیر احساسات و هیجان دست به این اقدامات زده بودند و تاکنون ۱۹ نفر از افراد بازداشت‌شده آزاد شدند. ما نمی‌توانیم امنیت مردم را خدشه‌دار کنیم. امنیت خط قرمز هر کشوری است.